

یک نگاه، هفت مجموعه

یک نگاه، هفت مجموعه نمایشگاه آثار نقاشی شهریار بیگی در هفت نگارخانه تهران که در پاییز سال یک هزار و سیصد و هفتاد و نه برابر با پاییز سال دو هزار میلادی در هفت نگارخانه تهران به صورت پیوسته "به دنبال یکدیگر" به اجرا در آمد. اسامی نگارخانه های شرکت کننده در این نمایشگاه به ترتیب تاریخ برگزاری از نگارخانه اول تا نگارخانه هفتم به ترتیب زیر است:

پاسارگارد
دریابیگی

افرنده

مژده

بنفشه

شیو

طراحان آزاد

این نمایشگاه در هفت هفته پیوسته در تهران برگزار گردید. یک نگاه، هفت مجموعه، هفت مجموعه متفاوت از آثار هنری شهریار بیگی است که در هفت نگارخانه تهران به اجرا در آمد. در این مجموعه به شعرهای تصویری یا تصویرهای شاعرانه ای برخورد کردیم که خود معنی و مفهوم این ایده هنری یعنی یک نگاه، هفت مجموعه را به خوبی کامل می ساخت. عنوان نمایشگاه و اطلاعات مربوط به آن خود معنی و مفهوم و هویت اصلی نمایشگاه را تشکیل می داد. یعنی نمایشگاه در اصل عنوان یعنی یک نگاه، هفت مجموعه بود، به این معنی که حس ایجاد شده از شنیدن این عنوان هدف اصلی شهریار بیگی از به اجرا در آوردن این نمایش بود. پروژه ای بزرگ که در پشت این عنوان "یک نگاه، هفت مجموعه" نمایشگاهی هفت گانه را در محل هفت نمایشگاه تهران در معرض دید علاقمندان به آثار شهریار بیگی قرار می داد. کاری بزرگ و گسترده که به بینندگان این امکان را داد که از بیش از چهارصد اثر نقاشی شهریار بیگی در هفت نگارخانه به مدت هفت هفته پیوسته دیدن کنند.

سبک ها و روش های گوناگون به کار گرفته در به وجود آوردن این آثار نقاشی را توسط شهریار بیگی از نزدیک به چشم ببینند. یک نگاه، هفت مجموعه برای شهریار بیگی تنها یک عنوان تنها نبود بلکه این مهم با درک هنری او از تاثیر این عنوان در موقع برخورد با آن به عنوان یک طرح و ایده هنری مطرح و انتخاب شده بود. پیش تر هفت دفتر شعر در هفت کتاب از مجموعه سکوت او را ملاحظه کرده بودیم، کم و بیش در مورد علت انتخاب عدد هفت از او و دیگران به دفعات شنیده بودیم و از تاثیر آن بر شنوندگان خوانندگان این آثار آگاه شده و دریافته بودیم که برگزیدن عدد هفت برای شهریار بیگی امری تصادفی نبود است و ریشه در عرفان کهن دارد که ریشه و مفهوم آن به عمق معنی آغاز و استفاده عدد هفت در تمدن انسانی است. عمق و معنایی که با عمیق شدن در آن عمق و معنی می یابد و کنایه از یک یکتا و هفت آفرینش دارد. من خود هرگز وجد و شوری را که برای اولین بار از شنیدن عنوان این نمایشگاه در خود احساس کردم را از یاد نمی برم. در این جا باید بگویم که حسی که در موقع شنیدن این عنوان یعنی یک نگاه، هفت مجموعه و شنیدن توضیح و اطلاعات مربوط به آن به انسان دست می دهد به مانند برخورد با هر اثر هنری دیگر مسلماً امری کاملاً نسبی است و ارتباط مستقیم با هر شنونده می تواند داشته باشد. شنیدن عنوان نمایشگاه از این روی در افراد گوناگون احساسات گوناگونی را ایجاد می کرد. از وجد و شور تا عصبانیت که ریشه در درک این ایده در نزد شخص مخاطب داشت. بعضی این ایده هنری را پسندیدند و به عنوان ایده و مفهوم هنری در نهایت معنی و مفهوم انتزاعی آن را پذیرفتند و به دنبال آن به کنجکاوی به دیدن آثار هفت نمایشگاه رفتند و بعضی دیگر اگرچه آن را نپذیرفتند اما به گونه ای در هر حال آن عنوان را شنیدند و از شنیدن آن عصبانی شدند و به هیچ یک از نمایشگاه های هفت گانه نرفتند و هنرمند و ایده و استفاده او را از واژه ها به صورت یک عنوان "یک نگاه، هفت مجموعه" به عنوان هویت اصلی یک ایده و اثر هنری نپذیرفتند و او را مورد انتقاد قرار دادن و اصرار ورزیدند که "یک نگاه، هفت مجموعه" تنها یک عنوان است و نمی تواند هویت اصلی و پایه ای یک کار هنری به معنی ایده ای نو از به اجرا در آوردن یک کار هنری نو باشد. اگرچه استفاده شهریار بیگی از این عنوان به تعریف و باور من استفاده کاملاً انتزاعی از به اجرا در آوردن یک ایده هنری است که در بالاترین و عمیق ترین شکل انتزاعی خود از درک هنری ما از یک ایده شکل می گیرد. شهریار بیگی در

توضیح این طرح خود می گوید که هنر و درک هنری و شکل ابراز آن توسط انسان لزوماً تنها نباید به شکل تجسمی باشد که پیام یک هنرمند را به مخاطب خاص خویش انتقال دهد بلکه هنر و شکل هنری می تواند به صورت کاملاً انتزاعی و به صورت غیر تجسمی نیز در کنار شکل تجسمی آن به مخاطب یک اثر انتقال بیابد و چگونگی شکل انتخاب آن بستگی مستقیم با درک هنرمند و مخاطب از هنر و زبان مشترک مابین هنرمند و مخاطب دارد و بی شک نخستین مخاطب یک هنرمند پیش از هر کس دیگری خود اوست که با کاری که خود به انجام می رساند مواجه می شود.

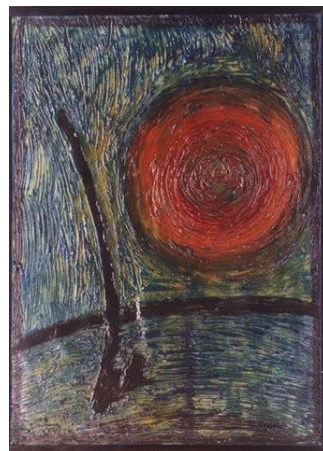
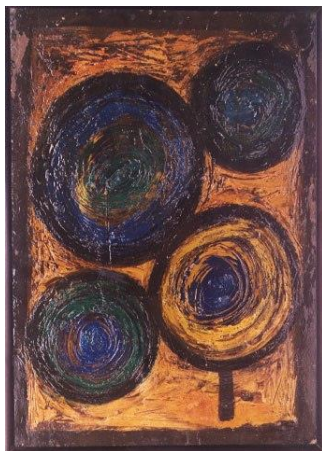
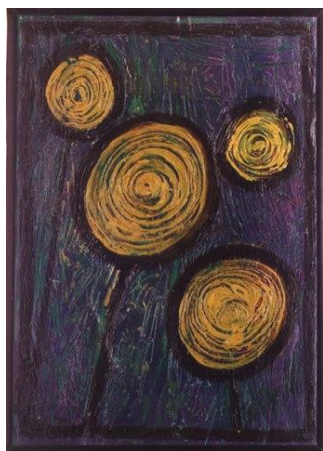
و این اثر به وجود آمده را درک می کند و در آن عمیق می شود. "یک نگاه، هفت مجموعه" از یک سو به خاطر معنی یک و هفت و معنی خاص این ترکیب در عرفان کهن دنیا و از سویی دیگر به خاطر چگونگی استفاده شهریار بیگی از این عنوان به صورت یک ایده هنری، جالب توجه و مورد اهمیت قرار می گیرد و نظارت بر شکل برگزاری آن توسط شخص بیننده کنجکاو این هفت مجموعه است که رسیدن به عمق این معنی را برای او کامل می سازد، در جهانی انتزاعی که در اثر ارتباط مخاطب با این اثر به وجود می آید. جهانی که از دنیای روزمرگی به دور است و توجه و احساسات مخصوص به خود را برای درک این جهان از شخص مخاطب برای درک این دنیای جدید طلب می کند. این اثر به صورت منحصر به فرد در تک تک بیننده های خود حالتی ایجاد می کند که هر یک در هر نگارخانه حس مربوط به خود و در مجموع حس خاص و منحصر به فرد خود را تجربه می کنند. بیننده هر هفت نمایشگاه به این حس کامل دست نمی یابد مگر این که از پیش این فراغ بالی و آزادگی و آزاد اندیشی را به درک و ذهنیت خود برای درک این دنیای تازه که از دنیای موجود در دانستگی کنونی انسان بسیار دور است، داده باشد و خود را با دانستگی و قضاوتی از پیش آماده شده برای دیدن این آثار آماده نکرده باشد. البته حتی آنانی که تنها به شنیدن نام این مجموعه قناعت کردند و به دیدن این آثار در این هفت نگارخانه نرفتند نیز از این گروه مستثنی نیستند و حسی که آنان از عنوان این مجموعه گرفتند با حس آنانی که هر هفت مجموعه را به دقت دیدند فرق می کند و مسلماً متفاوت است. مسلماً با دیدن این آثار این عنوان یعنی یک نگاه، هفت مجموعه از شکل و پیام کاملاً انتزاعی خود که همانطور که در بالا به آن اشاره کردیم، ریشه در درک عمیق مخاطب از این عنوان دارد با دیدن این آثار به شکلی دیگر در می آید که خود خالی از جدابیت

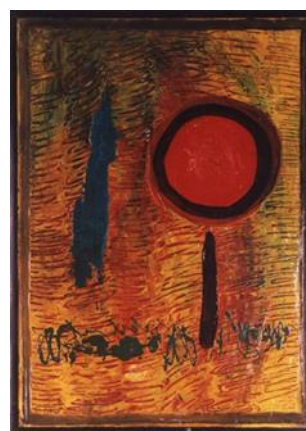
و لذت بردن از دیدن این آثار نخواهد بود. اما این مهم را فراموش نکنیم که در این میان عنوان یعنی یک نگاه، هفت مجموعه اثر هنری یا پیام هنری شهریار بیگی است که خود به صورت مستقل دارای ارزش و پیام مخصوص به خود است، ایده و مفهومی که برای درک آن ضرورتی نخواهد داشت که حتما به دیدن این مجموعه برویم بلکه تنها با شنیدن آن عنوان یعنی یک نگاه، هفت مجموعه و درک این ایده معنی می یابد. اگر چه باید بگویم که دنبال کردن این هفت نمایشگاه در این مجموعه و دیدن آثار تجسمی آن برای مخاطب بسیار لذت بخش است. تفکر و احساس او را در جهت درک کامل این ایده کامل تر می سازد. شهریار بیگی می گوید همه آنانی که این عنوان را شنیدند پیام این مهم را دریافت کرده اند، از این تعداد بودند آنانی که هفت نمایشگاه را دنبال کردند یا به یک یا دو نمایشگاه آمدند یا به هیچ کدام نیامدند اما همه پیام انتزاعی این کار را دریافت کردند و با گفتار و اضافه کردن حس خویش برای انتقال این پیام به دیگران به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه به صورت خودبخود کمک کردند که جا دارد از رحمتی که ایشان متحمل گردیدند صمیمانه تشکر کنم. کار و عملی که همه در نهایت به انجام آن پرداختند و این عمل در واقع درک و دریافت کامل یک ایده کاملا انتزاعی است. حال اگر گروهی آن را هنر بنامند و گروهی آن را هنر ننامند باز در اصل در معنی و مفهوم آن تفاوتی ایجاد نمی کند و این اتفاق افتاده است. شهریار بیگی اضافه می کند که یک نگاه، هفت مجموعه همین و بس نه کمتر و نه بیشتر. اگرچه آثار تجسمی این هفت نمایشگاه را نیز می توان از زاویه نگاه کردن به آثار تجسمی نیز همزمان مورد توجه قرار دهیم و در تقسیم بندی ها به عنوان آثار تجسمی از آنها نیز یاد کنیم. اما درک و عمل و پروسه درک ما از هنر انتزاعی می تواند به صورت کامل انتزاعی نیز باشد و شاید این نوع نگاه به آن مهم خود انتزاع خالص باشد. اگرچه انتزاع خالص زمانی رخ می دهد که مخاطب آن نیز به اندازه این پدیده انتزاعی یا اثر انتزاعی خود دارای طبیعت انتزاعی و توانا به همراه شدن با انتزاع و درک آن باشد. شهریار بیگی اضافه می کند که او کاملا می فهمد که همه نباید به یک صورت مشخص به این ایده و اجرای آن توسط او واکنش نشان بدهند و کاملا طبیعی است که این گونه باشد چرا که ما انسان ها همه به هم شبیه نیستیم و از درک احساسی گوناگونی از هستی پیرامون اطراف مان که آثار هنری نیز از آن جدا نیستند هستیم و بی شک اگر به صورتی رها و آزاد از هر قید و بندی با هر پدیده ای برخورد کنیم و از آن تنها دیدار کنیم و

بگذریم شاید رهایی آن پدیده را نیز دست نخورده بگذاریم و بگذریم، حال اگر آن پدیده را فهمیده ایم یا نفهمیده ایم خود مطلبی دیگر است که صحبت در مورد آن تنها نه تنها به درک آن کمکی نمی کند بلکه معنی و مفهوم آغازین آن را نیز از بین می برد و درک ما از آن را برای ما مشکل می سازد.

"او هست
همان گونه که هست
نه کمتر
و نه بیشتر"

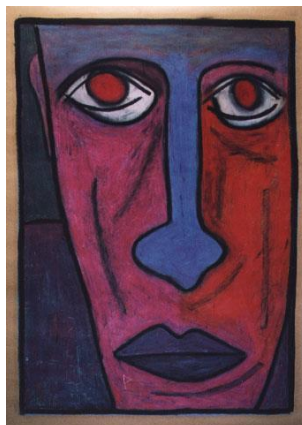
اما بگذارید که اکنون به عنوان یک بیننده در این جا نکاتی پیرامون دیدار از این هفت نمایشگاه را با شما در میان بگذارم که اطلاعاتی را به صورت کلی با توجه به چگونگی برگزاری این نمایشگاه هفت گانه در اختیار شما قرار بدهد از نمایشگاه دوم به بعد آثار هر نمایشگاه به وسیله دستگاه ویدئو در نمایشگاه های بعدی نمایش داده می شد و به این وسیله این آثار به نمایش در آمده در نمایشگاه های قبلی حضوری دوباره در نمایشگاه بعدی می یافت و بیننده را در برابر گستردگی و وسعت این مجموعه و اجرای آن قرار می داد. با دیدن این مجموعه و دنبال کردن این آثار از نگارخانه ای به نگارخانه ای دیگر از لایه های درون نگاه هنرمند، ایده و منظور او از برگزاری این مجموعه بیشتر اطلاع خواهیم یافت و درک بیشتری از آن پیدا خواهیم کرد. نخست نمایشگاه از نگارخانه پاسارگارد آغاز شد که در زیر به توضیح آن می پردازم:





آثار این مجموعه همان طور که در تصاویر بالا ملاحظه می کنید سرشار از حرکات دورانی است، طبیعت به معنی هستی و آفرینش میکروسکوپی تا هستی زمین، انسان، کهکشانها و کل آفرینش و همه آنچه همه چیز را به هم پیوند می دهد با موضوع های گوناگون همچون گل، درخت، انسان، آفتاب، کهکشان موضوع آثار نقاشی به نمایش در آمده در این نگارخانه است که به صورت انتزاعی در هم آمیخته شده بودند و بیننده را به شگفتی هستی و دنیایی انتزاعی می برد. کنش و حرکت در همه آثار حرف اول را می زند و به بیننده می آموزد که همه عناصر هستی از ریزترین تا کلی ترین آن در حال حرکت و شدن است. گویی تک تک عناصر سازنده این آثار و نیز قرار گیری هر اثر در کنار هر اثر دیگر این معنی را تداعی می سازد که اگر چه اجزا تشکیل دهنده و موضوع آن ها با یکدیگر متفاوت هستند اما معنی و مفهوم و احساس مشترکی را به بیننده القا می کنند. چگونگی چیدمان کارها نیز دریافت این حس و معنی را تکامل می بخشد و به بیننده اجازه می دهد که ذهن خویش را آزادانه به پرواز در آورد و به دنیای این آثار سفر کند. مواد رنگی به کار گرفته شده

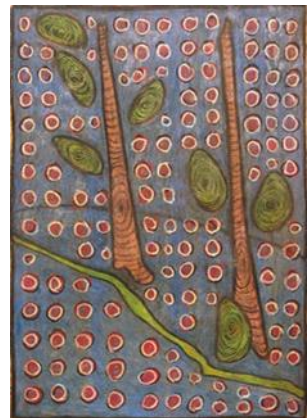
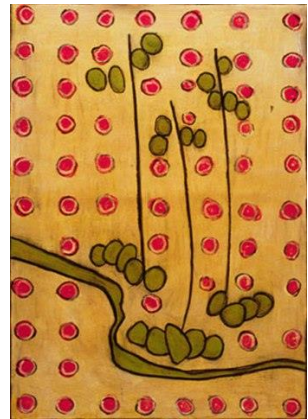
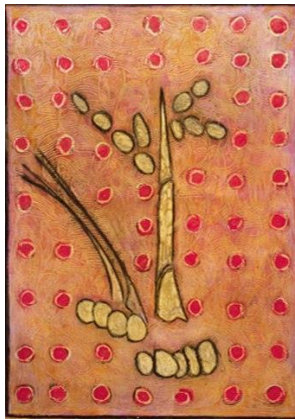
در این آثار میکس مدیا است یعنی مخلوطی از چند ماده گوناگون برای به وجود آوردن یک اثر واحد. اگرچه اکریل سهم بیشتری در ساخت آن تا دیگر مواد مثل رنگ روغن چسب و جوهر و مرکب دارد. اگرچه مواد دیگری نیز در لابلاهای لایه های کار دیده می شود که شاید پاستل یا روغن ورنی یا جلا باشد که باعث به وجود آوردن شکل خاص آثار شهریار بیگی در این نمایشگاه می شود. آثار به گونه این شاید آبستره اکسپرسیونیستی بتوان آن ها را نام نهاد و از آزادی و رهایی خاصی در موضوع و بیان احساس هنرمند برخوردار هستند که ریشه در شعر و موسیقی، فلسفه و هنر اولیه یا هنر پرمیتیو دارد. هر یک شخصیتی مستقل و منحصر به خویش دارند. در این آثار بیان تفکر و احساس هنرمند بر رعایت اصول قراردادی جاری برتری دارد و هنرمند را در بیان احساس خویش به تنگنای تکنیکی نکشیده است. آثار شهریار بیگی حرفی تازه و زبان ویژه دارند، اسباب درک این آثار تنها با نگاه کردن به این آثار و درک زبان آن فراهم می شود. بعد از نمایشگاه به نمایشگاه دوم می رویم نگارخانه دریابیگی، در نگارخانه دریابیگی به پرتره هایی برمی خوریم که سرتاسر فضای نگارخانه را در بر گرفته اند و همه در همه سو به بیننده خود ذل زده اند و در هیچ کجا و در هیچ زاویه ای از محل نگارخانه بیننده را از نگاه خود رها نمی سازند و با نگاه خود بیننده را دنبال می کنند. نگاهی که نمایانگر تاکید و صحنه گذاشتن بر یادآوری بر خویشتن است. نگاهی که روبرو ساختن خود با خویشتن است. حالت این پرتره ها سرشار از نیروهای مختلف درونی است که با فرم ها و رنگ های گوناگون حالتی مشخص و وهم انگیز دارند و این حالت را به بیننده این آثار القا می کنند. پرتره هایی با لب های برجسته و بینی های دراز و باریک و چشمان درشت باز که از درون به ما می نگرند و در همه حال در حال نظاره کردن و نظاره شدن هستند. پرتره هایی که





بیننده را به دیدن خود و خویشتن می طلبند و با نگاه با نفوذ خود بیننده را از زمانی که در آن ایستاده است به رویایی بی زمان می برد. جایی که جایی نیست، جایی که هیچ نیست و هیچ در آن به دست نمی آید و سرانجام این مهم یعنی نظاره کردن و نظاره شدن در یک تابلو به صورت تنها یک چشم دیده می شود که این یک چشم یا نگاه در همه حال مخاطب خود را به حال خود رها نمی کند و یک آن تنها نمی گذارد. بعضی از آثار سطحی خط خطی شده دارند و با منحنی های گرد همراه شده اند و بعضی ساده ترند و از رنگ های متفاوتی، گرم و سرد تشکیل یافته اند که حالات مختلف روانی چهره ها را بی واسطه به بیننده القاء آثار می کنند. مثل نمایشگاه قبلی مواد تشکیل دهنده آثار مواد گوناگونی است که به میکس مدیا معروف است اما پاستل اساسی ترین و بیشترین سهم را در تشکیل این آثار دارد. در مجموع کارهای ارائه شده در مجموع هستی انسان را مورد توجه قرار می دهند و به صورت هستی مشخص انسانی هویت مستقل دارند و از این حکایت می کنند که انسان خود دنیایی گسترده و شگفت انگیز به وسعت دنیای پیرامونی اطراف خویش است، دنیایی که با رجوع به آن و بازگشت به آن بر شخص جستجوگر و کنجکاو آشکار می

گردد، دنیایی که بی نهایت است وحد مشخص و محدودی ندارد.
 پس از این نمایشگاه دوم به سراع نمایشگاه سوم می رویم که در نگارخانه
 افرند برپا گردید. در مجموعه آثار نقاشی سوم که در نگارخانه افرند به نمایش
 در آمد طبیعت و درختان نقش عمده ای را در ترکیب بندی این آثار به عهده
 دارند و نیز دایره یا نقطه هایی کوچک متعددی بر سطح کار بر این ترکیب

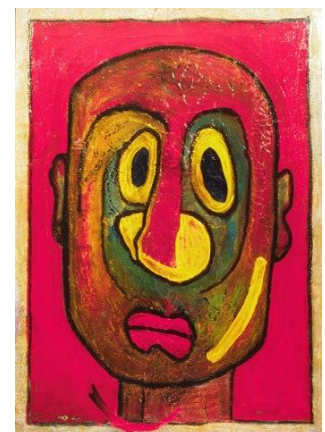


بندی اضافه شده است. بعضی از آثار چند لته ای هستند و به گونه ای این حس را در بیننده ایجاد می کنند که در درون اتاقی بزرگ ایستاده ایم و از پنجره های بزرگ آن به نظاره مناظر بیرون مشغول می شویم. کل کار حس و حالی از نقاشی های خاور دور دارد که شاید برای بیننده ایرانی در برخورد برخورد اول آثار کمی دور و غریب جلوه کنند. بر سطح تمامی آثار وجود این نقطه ها، دایره ها و خط های عمودی و افقی و مورب و موج در زمینه تاریک در رنگ های سرد و گرم آثار ایجاد حالتی ریتمیک و ضرب آهنگی با طول موج های گوناگون کرده است که بیننده را به خوبی به دنبال کردن آثار از یکی به دیگری مشغول می سازد. این مهم کنجکاو مخاطب را برای رسیدن به آثار بعدی و بعدی در نمایشگاه برمی انگیزد. مثل دیگر آثار شهریار بیگی مواد تشکیل دهنده آثار میکس مدیا است اما پاستل و روغن اساسی ترین مواد تشکیل دهنده این آثار هستند. همچون دیگر آثار سبک کار آبستره اکسپرسیونیستی است در این آثار شکلی دیگر از آفرینش و هستی به مانند دو نمایشگاه اول و دوم به تصویر کشیده شده است که پیوسته در طبیعت در هر سو به چشم می خورد و قابل لمس است. در این مجموعه اگرچه موضوع این مجموعه یعنی هستی و آفرینش همچون دیگر آثار در دیگر نگارخانه ها دنبال می شود اما از استقلال خاص موضوعی طبیعت برخوردار است. اگرچه سالن نگارخانه افرند بسیار کوچک، باریک و دراز بود اما چیدمان کاملاً حرفه ای نمایشگاه نه تنها این حس کوچکی نمایشگاه را از بین برده بود بلکه با کنتراست نقش و رنگ و رنگ در آثار حس فربخشی را به بیننده می داد که بیننده را به کلی از محیط کوچک نگارخانه خارج می کرد و به طبیعی گسترده و آزاد می برد. موسیقی انتخاب شده از طرف هنرمند برای پخش در محل نمایشگاه نیز همچون دیگر نمایشگاه های قبلی شهریار بیگی کاملاً حرفه ای و مناسب با موضوع نمایشگاه انتخاب شده بود که این مهم بیننده را هر چه بیشتر به بودن در دنیای آثار و تمرکز بر روی آثار کمک می کرد. این مهم باعث می شد که مخاطب برای مدتی که در نمایشگاه بود به کلی از شرایط زمانی و مکانی خارج از محل نمایشگاه جدا شده و به صورت مستقل و آزاد در فضای نمایشگاه و حس نمایشگاهی نمایشگاه فراغ بال به دیدن آثار در نمایشگاه مشغول شود. پس از نمایشگاه سوم، یعنی نگارخانه افرند به سراغ مجموعه چهارم از این نمایشگاه می رویم این مجموعه در نگارخانه مژده به نمایش درآمد. در این نمایشگاه باز هم درختان و طبیعت موضوع آثار را تشکیل می دادند. اگرچه این درختان به



شکل دیگری شخصیت انسانی یافته بودند. این که مخاطب در برابر هر اثر آفریده شده موجودی زنده را می دید که با چشمهای خویش به او نگاه می کرد. تنه درختان و برگ هایی که حالت صورت انسانی پیدا کرده بودن و تمامی جنگل و تک تک درختان را در بر گرفته بودند یا بهتر است بگوییم همه جنگل دارای شخصیت بودند، صاحب شخصیتی که بیننده در این میان با آن ها ارتباط

برقرار می‌کرد و ایجاد حسی که گویی نباید هیچ وقت تصور کرد که در عمق جنگل هم بیننده این آثار می‌تواند تنها باقی بماند و همه چیز در همه حال همگان را نظاره می‌کنند و یک آن آنها را رها نمی‌کنند. در این مجموعه دایره‌ها و نقطه‌ها اگر چه به مانند آثار ارائه شده در نگارخانه افرند وجود دارند اما با آثار ارائه شده در آنجا در نمایشگاه سوم از این مجموعه متفاوت هستند و بیشتر در سطح کار با کل اثر هماهنگ شده‌اند. آثار حالتی انتزاعی دارند و انسان را به شدت مورد تاثیر قرار می‌دهند و به دنیای ناشناخته‌ای پرتاب می‌کنند که منحصر به فضای به وجود آمده در این آثار است. از دیگر شاخص‌های تصویری آثار می‌توان به آثاری اشاره کرد که شکل زایشی بارور دارند که بر زمینه آکنده از خط‌نمایان می‌شوند و این معنی را تداعی می‌سازند که همه هستی در حال زایش و تولد مداوم است. این خطوط با فاصله و ضرباهنگ معین در همه آثار دیده می‌شوند و همچون نقوش مکرر این خطوط و تصاویر حسی مشخص از یک معنی به کلام نیامده را در چشم بیننده به نمایش در می‌آورند. مواد رنگی تشکیل دهنده این آثار نیز میکس مدیا است اما در این کارها نیز پاستل و اکریل و روغن مقدار بیشتری از این مواد را در به وجود آمدن این کارها به خود اختصاص می‌دهند. این آثار همچون دیگر آثار شهریار بیگی بسیار وهم‌انگیز، بسیار خیال‌انگیز هستند. پس از این نمایشگاه به سراغ نمایشگاه بعدی می‌رویم که در نگارخانه بنفشه به اجرا در آمد. در نگارخانه بنفشه هستی و عناصر تشکیل دهنده آن به گونه‌ای دیگر بازگو و به نقش کشیده می‌شوند و حسی متفاوت اگرچه مشترک با دیگر آثار نگارخانه‌های قبل از این دارند. موضوع آثار همه در زمینه پشت و عمق آن و هم در سطح آن اشکار است به مانند صورت‌هایی است که دیده نمی‌شوند و قسمت‌هایی از آن همچون لب‌ها و چشم‌ها در آن دیده نمی‌شوند و نیز در بعضی آثار نقش اصلی آثار با رنگ‌های تند و پر کنتراست بسیار مشخص و هویدا می‌گردند و شخص بیننده را برای دیدن کل نمایشگاه آماده می‌سازند. اگرچه هر اثر خود شخصیتی مستقل و جدا از آثار به نمایش داده شده در نمایشگاه را دارد اما به صورت زنجیر با دیگر آثار در نمایشگاه در ارتباط است. دگرذیسی چهره در بعضی از آثار به فرم‌های گوناگون چنان شاخص می‌گردند که با ترکیب و آرایش خاص، تمامی شخصیت آنها را در بر می‌گیرند به ویژه فرم لب‌ها که حس برجسته و جدا اما وابسته به اثر را به نمایش در می‌آورند و به بیننده خود انتقال می‌دهند. این مهم‌گویی جهت حرکت



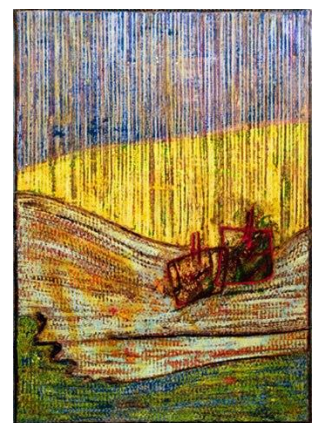
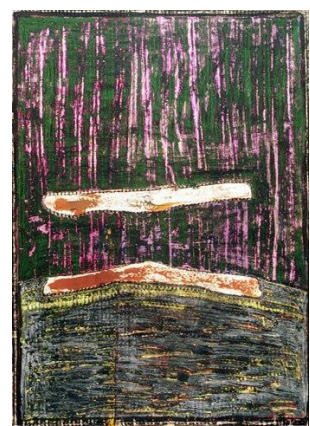
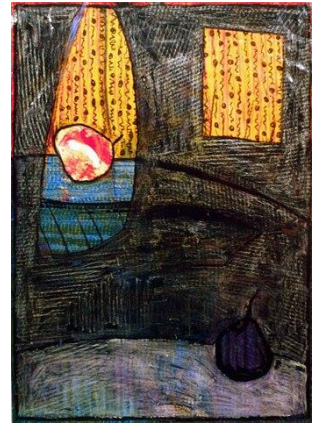
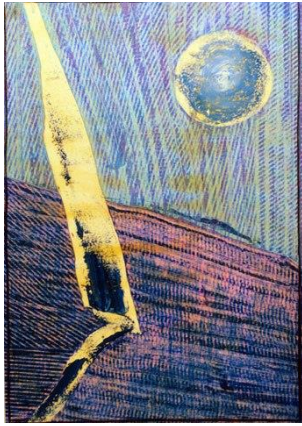
نگاه از درون به برون را گوشزد می کند که در مجموع با حضور و دیدن و
و غیبت انسان مواجه می گردیم، انسان و شخصیتی که در همه جا و همه چیز
است اما نه به شکل انسان با بدن انسان بلکه به صورت آرایش پیونده هایی که
پویایی و جنبشی ایستا دارند و گردش مداوم را به بیننده القاء می کنند و قابلیت

فیزیکی هندسی از آفرینش و طول موج هایی به صورت قبض و بسط و حالت احساس مربوط به آن را به انسان می دهند. مواد تشکیل دهنده این آثار به مانند دیگر آثار از مواد رنگی گوناگون به شکل میکس مدیا یعنی مخلوط از همه مواد رنگی تشکیل شده است و پاستل و آکرلیک سهم بیشتری در تشکیل دادن آثار دارند. در این مجموعه به مخاطب این حس داده می شود که همه هستی در واقع زنجیره ای تا بی نهایت است که به یکدیگر به صورت زنجیر متصل هستند و انسان از زاویه دید و توانایی خود این زنجیره را مورد توجه قرار می دهد. پس از این نمایشگاه نوبت به نمایشگاه ششم می رسد که در نگارخانه شیو برپا شد. تمرکز هنرمند بر روی لایه های بیرونی هستی مورد توجه قرار می گیرد. لایه هایی زمخت و هویدا که در همه حال و در همه جا قرار دارند و خود را به بیننده نشان می دهند. شکل بیرونی هستی که به چشم می آیند و قابل دیده شدن و لمس هستند. چگونگی استفاده از مواد رنگی به صورت میکس مدیا که اصلی ترین آن رنگ روغن است برای به وجود آوردن این آثار به صورت مستقیم یعنی دستکاری اضافه به صورت دست نخورده از تیوپ رنگ بر روی بوم مورد استفاده قرار گرفته است که فرم لوله ای آن را بدون هیچ تغییری بر روی کار باقی و آشکار می سازد. این شکل استفاده از مواد رنگی روغنی و اکریل همراه با روش منحصر به فرد شهریار بیگی در به وجود آوردن آثار این حس را به بیننده القاء می کند که لایه های بیرونی هستی در حال حرکت از مرکزی ترین نقطه درون به بیرون هستند و پیوسته مایل به ادامه حرکت در این جهت از درون به بیرون هستند. مربع و مستطیل های در زمینه تاریک و روشن، ستون های عمودی و افقی، نقش های برجسته با رنگ های مختلف له شده و فرم های زمخت خراشیده شده و پیچ در پیچ در مجموع حسی کلی و سنگینی را به بیننده القاء می کنند. این مجموعه نیز تمامی هدف های نمایشگاه های پنجگانه پیشین را که در بالا به توضیح آن پرداختیم در خود دارد اگرچه خود دارای شخصیتی کاملاً مستقل از نمایشگاه های قبل از خود است. این مجموعه بیننده را به دنیای مواد کانی در آفرینش می برد و به صورت لایه های زمخت و یک دست به نمایش در می آید. این حس را به بیننده خود می دهد که در لابلای مواد معدنی در زیر و روی زمین در حال سفر و تحقیق و تفحص است. شکل و چگونگی استفاده از رنگ های گوناگون، نوع جنسیت رنگ ها این حس را در انسان به وجود می آورد که مخاطب خود نیز جزئی از این دنیا و این مواد است و همراه با این مواد در دنیای این مواد و به



دنبال آن ها در حرکت است. همچون آثار دیگر شهریار بیگی این آثار در این نمایشگاه نیز انسان را به دنیایی ناشناخته پرتاب می کند که از دنیای روزمره ما بسیار دور و بسیار خیال انگیز است و حس بیننده را به دنیای ندانستگی می برد دنیایی که شاید هست اما کمتر می توان به آن توجه کرد. در پایان به سراغ نمایشگاه آخر از این مجموعه می رویم که نمایشگاه هفتم شهریار بیگی است

که در نگارخانه طراحان آزاد به عنوان حسن ختام به معرض نمایش در آمد. موضوع آثار در این مجموعه پایانی طبیعت به معنی طبیعت طبیعی است.



موضوع این نمایشگاه پایانی به کلی به طبیعت نزدیک شده است. و گویی به گونه ای رئالیستی شده است. در تصاویر موضوع هایی مثل درخت و آب را

می توان به صورت رئالیستی باز شناخت. به مانند دیگر کارها میکس مدیا است یعنی مخلوطی از مواد گوناگون کل اثر را به وجود آورده است. اگرچه پاستل و روغن مواد اساسی تشکیل دهنده کارها است. در این مجموعه، آثار از مایه های روشن و شفاف به وجود آمده اند و اجرا کاملاً لطیفی به لطافت طبیعت دارند. تفاوت و تضاد رنگی در کارها جلوه خاصی را در کارها ایجاد کرده است. رابطه بافت آثار با یکدیگر هم در سطح رویین و هم در سطح زیرین در فراسوی موضوع کار است و جلوه زیبایی به آثار بخشیده است. این آثار به عنوان حسن ختام این نمایشگاه با عنوان یک نگاه، هفت مجموعه انسان را دوباره به جایی رجعت می دهند که از آنجا آغاز کرد. طبیعت و این پیام را به انسان می دهد که همه چیز در طبیعت و از طبیعت است. از طبیعت آغاز می شود و به طبیعت باز می گردد. چگونگی استفاده از رنگ ها و تکنیک استفاده شده توسط شهریار بیگی به گونه ای است که مخاطب را چه از نظر حسی و چه از نظر عقلانی به هستی و آفرینش نزدیک می کند. استفاده ملایم از رنگ ها چشم بیننده را نوازش می دهد و همان حسی را به مخاطب می دهند که انسان در طبیعت تجربه می کند. موسیقی انتخاب شده در این مجموعه نیز به مانند دیگر نمایشگاه های این مجموعه در دیگر نگارخانه ها کاملاً حرفه ای انتخاب شده بود. نغمه ملایم موسیقی و صدای جریان آب و رودخانه در جنگل و صدای پرندگان و حشرات، صدای باد و طبیعت پیرامون انسان به گونه ای بود که انگار در میان جنگلی ایستاده بودی و به این مناظر نگاه می کردیم. این مهم باعث می شد که به عنوان بیننده حس بسیار فرحبخشی از بودن در این نمایشگاه داشته باشیم. احساسی که گویی پیام اصلی این نمایشگاه یعنی مجموعه یک نگاه، هفت مجموعه است. رهایی، آرامش و سرور پیامی که از اولین مجموعه در اولین نگارخانه آغاز و به آخرین مجموعه و نگارخانه در آخرین نمایشگاه ختم نمی شود بلکه با بیننده و مخاطب این آثار به عنوان یک تجربه حسی نادر و عمیق تکرار می شود. در پایان باید بگویم که من به صورت اتفاقی در ایامی که این نمایشگاه هفت گانه در هفت نگارخانه تهران برپا شده بود به ایران آمده و در تهران بودم که از این شانیش خوب خود که باعث دیدار من از این نمایشگاه شد بسیار خوشحال هستم. حرکت و نمایشگاهی بسیار حرفه ای که بی شک زمان و نیروی بسیار را برای طراحی و اجرا آن به مصرف رسانیده بودند و با موفقیت کامل به اجرا در آمد و خاطره بسیار خوبی برای من به جا گذاشت. "نادر مارش دوهزارو یک میلادی اتریش"